



یادداشت

کارگران به دولت رئیسی و موتلفه چی ها اجازه اجرای برنامه های ارتجاعی شان را نخواهند داد!

صادق کار



آری آنها در ازای حمایت از رئیسی قاتل و جنایتکار نشان دادند که در همه حال منافع طبقاتی خودشان را بر هر عامل دیگری ترجیح می دهند و کسب سود بیشتر برایشان از همه ارزشها حتی اگر به قیمت جان هزاران تن از مردم کشورشان که به دروغ برایشان اشک تمساح می ریزند تمام شده باشد از همه چیز والاتر است.

مردم فراموش خواهند کرد که آنها در انتخابات فرمایشی به خاطر منافع اقتصادی بیشتر، رودرروی مردم و در کنار دشمنان مردم قرار گرفتند!

خبرهای پراکنده حاکی از تلاشهایی است که در هفته های اخیر برای از بین بردن ته مانده قوانین کار و تامین اجتماعی توسط کارفرمایان و بازاریان حامی رئیسی و همراهان او در جریان است. این جماعت واپسگرا و حریص در هنگام تبلیغات انتخاباتی با دادن طرح هایی که توسط اتاق ایران و در نشستهایی که سازمانهای کارفرمایی با رئیسی داشتند مطرح می کردند، در ازای حمایت از رئیسی خواسته ها و انتظارات خودشان از دولت رئیسی را معین می کردند. بخشی از مطالبات سازمانهای کارفرمایی مربوط به از میان برداشتن ته مانده قوانین کار و تامین اجتماعی و دادن اختیارات کامل به کارفرمایان و در واقع جایگزین کردن روابط ستمگرانه و قرون وسطایی استاد-شاگردی بجای قانون کار از دولت رئیسی بود.

استانی و توافقی نمودن دستمزد، از میان برداشتن تعیین حداقل دستمزد توسط وزارت کار، خصوصی سازی بخش هایی از خدمات تامین اجتماعی، و گذاری موسسات آن به بخش خصوصی، کاهش حق بیمه کارفرمایان، بخشهایی از درخواستهای رو شده ی کارفرمایان بودند. توقف لغو خصوصی سازیها، تسریع و گذاری معادن به بخش خصوصی، شناور کردن نرخ ارز، و سپردن تعیین قیمت کالاها به بازار و سازمانهایی کارفرمایی، کاهش مالیات نیز از جمله درخواستهای اتاق بازرگانی و موتلفه چی ها هستند.



از موضعگیری های تا کنونی رئیسی و مجلس و سابقه و مسلک مرامی کسانی که گرد او جمع شده و از وی حمایت کرده اند و ترکیب نامزدهای وزارت که رئیسی به مجلس معرفی کرده است می توان گفت که رئیسی اکثر خواسته های سازمانهای کارفرمایی را پذیرفته و وزاری را در نظر گرفته که اکثرا از لحاظ سابقه، تفکر و منش با جریانات مذکور مثل در و تخته با هم جور هستند. بعنوان نمونه رئیسی یکی از مدیران کمیته امداد خمینی را که همه اختیارات آن در دست موتلفه است و نظرات راستگرایانه مشابه موتلفه دارد برای وزارت کار معرفی کرده است.

با اینکه هنوز دولت به طور رسمی فعالیت اش را شروع نکرده، وزرا را اعتماد نگرفته اند، اما جماعتی که برای ریشه کن کردن ته مانده قوانین حمایتی کار عجله دارند به تقلا افتاده اند و در تلاشند بقول معروف تا تنور داغ است نان شان را به تنور بچسبانند. دستگاه های تبلیغاتی امثال رادیو و تلویزیون به اصطلاح ملی و رسانه های گروهی این جماعت نیز وظیفه بزک کردن و جا انداختن این تلاشها را به عهده گرفته اند و مشغول این کار اند.

در میان جماعتی که برای از میان برداشتن ته مانده قوانین حمایتی کار و تامین اجتماعی و برگرداندن مناسبات فی مابین کار و سرمایه به دوران قرون وسطا به تقلا مشغولند جریانات مختلفی وجود دارند. از اتاق بازرگانی و موتلفه گرفته تا کمیته امام و دیگر نهادهای به اصطلاح خیریه ای که زیر پوشش کار خیریه به گسترش فقر و تشدید استثمار بیرحمانه مردم در مانده و گروه هایی همچون زنان سرپرست خانواده مشغول اند.

در واقع این سازمانها نوعی نهادهای مالی برای مثنی از سرمایه داران بازاری و سنتی هستند که از بابت "خیر" نیز کسب سود می کنند و حساب و کتابی هم به کسی پس نمی دهند. تامین نیروی کار ارزان و بی حق و حقوق بدون بیمه، مالیات، هزینه محل کار و آب و برق برای کارفرمایان که در واقع به نوعی کار سیاه تعریف می شوند بخشی از عرصه های فعالیت آنهاست که سودهای اضافی هنگفتی را نصیب این جماعت می کند. به واسطه همین کارکرد و ماهیت است که این به اصطلاح خیریه ها در کنار نهادهای کارفرمایی قرار می گیرند و به مبلغان و مروجان منافع آنها در برخورد با نیروی کار تبدیل می شوند.

این وجه از کارکرد سازمانهای "خیریه" در گذشته و تا زمانی که آنها بصورت علنی شروع به دخالت در مناسبات قانونی فی مابین کارگر و کارفرما نکرده بودند کمتر مورد توجه قرار می گرفت و به آنها کمک می کرد ماهیت واقعی شان را پنهان نگاه دارند.

از دو سه سال پیش اما بعضی از آنها آشکارا شروع به دخالت در مناسبات کارگری- کارفرمایی کردند و تلویزیون دولتی نیز با انعکاس نظرات آنها مشوق دخالتهای آنها که هیچ ربطی به سازمانهای خیریه ندارد شد. یکی از این سازمانها در سال گذشته برای کاهش افزایش اسمی دستمزدها خواهان منطقه ای کردن دستمزد شد. طبق طرحی که وی ارائه می کرد، حداقل دستمزد کارگران در مناطق محروم می بایست کمتر از دستمزد شهرهای بزرگ باشد.

گردانندگان این گونه به اصطلاح خیریه ها با این ترفند، مانع افزایش دستمزدهای زنان و دختران جوانی می خواهند بشوند که در مناطق روستایی برای تجار قالی می بافند و یا کار مونتاز و بسته بندی و کارهای مشابهی را انجام می دهند. صحبت های اخیر آنها نشان می دهد که می خواهند طرح های شان را در همه جای کشور به اجرا بگذارند.

امسال نیز یکی از مسئولین که ظاهرا از طرف نهاد خیریه امام حسین ماموریت دخالت در کاری را که به او مربوط نیست پیدا کرده زبانش درازتر شده است و گفته است که قانون کار را دور زده و خودش دستمزد توافقی را که کمتر از حداقل دستمزد قانونی است در کارخانه به اجرا گذاشته و گویا کارگران نیز از کار او که قسمت بیشتری از دست رنج شان توسط این شخص "خیر" به سود کارفرما! مصادره شده، راضی اند و شب روز برای او مشغول دعا کردن هستند.

پنجم مردادماه، شبکه پنجم سیمای ملی، در برنامه ای تحت عنوان ما ایرانی ها، از مدیرعامل موسسه خیریه نذر اشتغال " به نوشته ایلنا امام حسین (ع) دعوت کرد تا بیاید و رموز کار آفرینی محبوب و منتج به نتیجهی خود را برای خلق الله تشریح کند! او در بخشی از سخنان خود، با صراحت و شجاعت تمام گفت:



«من قانون کار را دور زدم و دستمزد کمتر از حداقل قانون به کارگر پرداخت کردم و کارگر هم راضی بود چون می‌خواست بیکار نباشد!»

این شخص ضمن اذعان به سوءاستفاده از فشار عامل بیکاری برای پرداخت دستمزد کمتر از دستمزد قانونی که یک پنجم فقر است، در واقع نیت پلیدی را که در پس پرده این طرح های ضد انسانی نهفته است، بر ملا کرده است. بله هدف واقعی تشدید استثمار نیروی کار و افزایش سود و سهم بیشتر از ارزش اضافی است که نیروی کار خالق آن است. بقیه ادعا ها حرف مفت و شارلاتانسیم سیاسی است.

طبق قانون کار موجود دستمزد و مزایای هیچ کارگری که با کارفرما قرارداد کار امضا می کند نباید کمتر از مصوبات قانونی باشد. طبق همین قانون وزارت کار وظیفه دارد هر شخص حقیقی و حقوقی را که مقررات قانونی را رعایت نمی کنند تحت پیگرد قرار دهد و قراردادهای خلاف قانون کار را ملغی نماید. اما از وزارت کار به دور باد که حتی یک تذکر محترمانه به شخصی که خودش می گوید! قانون را لگد مال کرده است بدهد

بهر صورت همه قراین حاکی از آن هستند که این جریانات مصمم هستند با کمک دولت رئیسی طرح های خود را به اجرا بگذارند و از همه امکانات دولتی و خصوصی برای انجام این کار بهرمنند هستند. احیای مناسبات استاد – شاگردی اگر فرصت عملی شدن پیدا کند در واقع خود به تنهایی به منزله بی اعتبار کردن کلیه قوانین و مقررات کار است. "شیوه نامه استاد شاگردی در زمان دولت احمدی نژاد تهیه شد ولی به دلیل مخالفت های گسترده و نگرانی دولت از بالا گرفتن اعتراضات مسکوت ماند. مسلم است طرحی که در زمان احمدی نژاد امکان عملی پیدا نکرد و دولت ضدکارگری روحانی هم جرات به اجرا گذاشتن آن را نداشت، در دوره رئیسی هم نباید کارگران اجازه حتی گفتگو در مورد آن را به کسی بدهند و نخواهند داد. در مورد سایر درخواست های اتاق بازرگانی و دارودسته ارتجاعی موثلفه چی ها نیز واکنش کارگران قاطعانه تر از گذشته خواهد بود

طرح ها و راه حل هایی که این جماعت سود پسند در تبلیغات شان ظاهر برای رونق اقتصادی و صنعتی ارائه داده و می دهند، هیچ کدام شان تازه و ابتکاری نبوده و نیستند

همه آنها قبلا از زمان دولت های رفسنجانی تا روحانی به اجرا درآمده بودند و نتیجه همه آنها گسترش بی سابقه فقر، بیکاری، تورم، بی خانمانی، اعتیاد و انواع معضلات به قیمت مصادره و غارت منابع و اموال عمومی توسط همین جریانات مرتبط با موثلفه چی ها و دارودسته های آنها بود. همه این جماعات از حامیان سرسخت دولتهای گذشته از رفسنجانی تا روحانی بودند و تقصیر آنها در وضعیت فاجعه بار کنونی از روحانی، احمدی نژاد و رفسنجانی اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. بهر صورت واقعیت عریانتر از آن است که آنها قادر به پنهان کردن و یا وارونه کردن آن باشند. سیاستهایی که اکثریت بزرگی از مردم را به خاک سیاه نشانده است، آنها را اما به ثروتهای نجومی و قدرت فوق العاده رسانده است. چنان قدرت و ثروتی که قبلا در تصور خودشان هم نمی گنجید. اما زیاده خواهی و حرص و طمع آنها حد و مرزی نمی شناسد. طرح هایی که آنها به اصطلاح برای رونق اقتصاد داده و می دهند تنها به فقر و فلاکت عمومی و سلب بیشتر حقوق مردم و زحمتکششان منجر شده و می شود و بر ثروت و قدرت آنها که با حمایت از واپس ماندهترین، مخربترین و جنایتکارترین بخش حاکمیت تکیه دارد می افزاید

آری آنها در ازای حمایت از رئیسی قاتل و جنایتکار نشان دادند که در همه حال منافع طبقاتی خودشان را بر هر عامل دیگری ترجیح می دهند و کسب سود بیشتر برایشان از همه ارزشها حتی اگر به قیمت جان هزاران تن از مردم کشورشان که به دروغ برایشان اشک تمساح می ریزند تمام شده باشد از همه چیز والاتر است

مردم فراموش خواهند کرد که آنها در انتخابات فرمایشی به خاطر منافع اقتصادی بیشتر، رودرروی مردم و در کنار دشمنان مردم قرار گرفتند!

از مبارزات کارگران و مزدبگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!



تجربه تعاونی موندراگون بخش نهم

[خبیر اباراندیاران و خاویر لزاون](#)



، که اکثریت قریب به اتفاق تعاونیهای گروه موندراگون در آنجا مستقر است، 34 درصد بیشتر از میانگین آن (Gipuzkoa) گیپوزکوا در اسپانیا، و مهمتر این که 28 درصد بیشتر از میانگین آن در تمامی کشورهای اتحادیه اروپا است. علاوه بر این ساختار تولیدی این ایالت - با تأکید بی تناسب آن در قیاس با کل اسپانیا بر تولیدات عالی، خدمات مهندسی و صادرات - با ساختار تولیدی در کل اسپانیا تفاوت بسیاری دارد. حتی در دوران رکود اقتصادی فعلی، وضعیت در گیپوزکوا و دیگر استانهای ایالت باسک بالنسبه بر وفق مراد است. مثلاً در زمان نگارش این مقاله، نرخ بیکاری در گیپوزکوا 12 درصد است و این تقریباً نیم رقم متوسط در سراسر اسپانیا است. همه این حقایق تا حد زیادی مدیون فعالیت و موفقیت تعاونی های موندراگون است

6. بازسازی موندراگون

گروه موندراگون در سندی جدید، به تاریخ 2014، از جمله اهداف استراتژیک زیر را برای آینده بلافصل خود تعریف کرده است:

- نیل به تجربه غنی تری از اصول و ارزشهای تعاونی، مبتنی بر مرکزیت فرد و کار در تعاون،
- تشویق اشکال مدیریت و رهبری بصیر و مطالبه گر، در عین هماهنگی با اصول و ارزشهای تعاونی،
- تشویق اشکال همبستگی تعاونی که زمینه ساز دگرگونی باشد و نه بستر تداوم واقعیتهای ناپایدار اقتصادی،
- باز کردن درهای تعاون به روی ابتکاراتی که می توانند با اهداف و ارزشهای گروه اشتراک داشته باشند،
- پیشبرد یک سیاست مراداتی (کمونیکاسیونی) بازتر و شفافتر.



ایت تعهدات پژوهشگرانی از درسهای سختی اند که گروه موندراگون از دشواریهای اخیر خود استخراج کرده است و برخی تغییرات را که گروه در صدد اعمال آنها در سالهای آینده است، به دست می دهند. به عنوان مثال، اشاره به "تداوم واقعیت‌های ناپایدار اقتصادی" اشاره واضحی است به ورشکستگی و نابودی کارخانه و سانی برقی خانگی فاگور، و قصد آن را دارد که اصل اساسی همبستگی تعاونی را مدام با عزم برای بازسازی تکمیل کند؛ حتی اگر این امر مستلزم پایان دادن به ابتکارات تعاونی بنیانی باشد که نشان داده اند قادر به رقابت در بازارهای مربوطه نیستند.

همچنان که پیشتر مطرح کردیم، این تحولات را باید در مسیر طولانی و دینامیکی بررسی و ارزیابی که از آغاز تاسیس موندراگون جریان داشته است. در واقع اگر موفقیت یک مؤسسه اقتصادی را با توانایی استوار آن بر اصل مالکیت کارگران و حکمرانی دموکراتیک، برای رقابت کارا و گسترش چشمگیر در بازار اقتصادی که ندام جهانی تر می شود، بسنجیم، می توانیم بگوئیم چالشهایی که موندراگون امروزه با آنها دست به گریبان است، تا حدی نتیجه موفقیت‌های خود اوست.

این توانایی و دستاوردهای حاصل از آن به نوبه خود نه تنها موجب تغییر در خواسته ها و انتظارات کارگر-اعضای خود، بلکه همچنین موجب تغییر شرایطی شده اند که تعاونی های موندراگون باید تحت آن شرایط فعالیت کنند. امروزه، شصت سال پس از تأسیس تالرس اولگور، دیگر وجوه اندکی از بافتار سیاسی و اقتصادی ای باقی مانده است که دست یازیدن به چنین تجربه تعاونی رادیکالی را توجیه کند. در سال 1956 سرانه تولید ناخالص داخلی در اسپانیا به سختی 40 درصد از متوسط کشورهای اروپای غربی تجاوز می کرد. در آن زمان این کشور هم در سیاست و هم در اقتصاد از سایر نقاط جهان منزوی بود و از حاکمیت یک رژیم دیکتاتوری رنج می برد که هر نوع برآمد کارگری را سرکوب می کرد و هرگونه بیان هویت ملی باسک را توطئه و اغراض خاص تلقی می کرد.

در اواخر سالهای دهه 50 قرن گذشته اسپانیا روند "لیبرالیزه کردن اقتصاد" را پیشه کرد که نهایتاً به گشایش بیشتر آن به جریانات اقتصاد جهانی انجامید. با مرگ فرانکو در 1975، کشور دچار یک تحول عمیق سیاسی شد. در سال 1979 باسک اساسنامه خودمختاری خود را تصویب کرد و اختیارات خودگردانی قابل توجهی را، به ویژه در سیاست های اقتصادی و مالی، به دست آورد. تحولات اجتماعی و اقتصادی کشور در دهه های بعدی بس چشمگیر بوده اند. (که اکثریت قریب به اتفاق تعاونیهای گروه Gipuzkoa امروزه تولید ناخالص داخلی سرانه در استان گیپوزکوا) موندراگون در آنجا مستقر است، 34 درصد بیشتر از میانگین آن در اسپانیا، و مهمتر این که 28 درصد بیشتر از میانگین آن در تمامی کشورهای اتحادیه اروپا است. علاوه بر این ساختار تولیدی این ایالت - با تأکید بی تناسب آن در قیاس با کل اسپانیا بر تولیدات عالی، خدمات مهندسی و صادرات - با ساختار تولیدی در کل اسپانیا تفاوت بسیاری دارد. حتی در دوران رکود اقتصادی فعلی، وضعیت در گیپوزکوا و دیگر استانهای ایالت باسک بالنسبه بر وفق مراد است. مثلاً در زمان نگارش این مقاله، نرخ بیکاری در گیپوزکوا 12 درصد است و این تقریباً نیم رقم متوسط در سراسر اسپانیا است. همه این حقایق تا حد زیادی مدیون فعالیت و موفقیت تعاونی های موندراگون است.

**به سرکوب سندیکاها و تشکلهای کارگری مستقل و پیگرد فعالین سندیکایی و کارگری
پایان دهید!**



روز تشکل و پرونده سیاه بخش سازمانهای کارگری وزارت کار

صادق



سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار نه تنها به هیچ سندیکا، اتحادیه و تشکل مستقلی طی ۴۰ سال گذشته اجازه فعالیت نداده و با این رویه و عملکرد خود مقابله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار را نقض نموده، بلکه صدها سندیکای کارگری را که در قبل از انقلاب وجود داشتند و اجازه فعالیت داشتند، منحل نموده است. انحلال و غیر قانونی کردن شوراهای مستقل کارگری و پیگرد و سرکوب بسیاری از رهبران شوراها از دیگر اقدامات تشکل ستیزانه این سازمان بوده که با هماهنگی و همکاری نیروهای امنیتی انجام شده است.

به نوشته خبرگزاری ایلنا مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی به مناسبت ۲۲ مرداد روز تشکل و مشارکت های اجتماعی این روز را تبریک گفته است. فرزاد یوسفی در پیام خود اظهار امیدواری نموده که تشکلهای کارگری! و کارفرمایی تقویت و گسترش پیدا کنند

او گفت: ' امیدوارم که با همت و تلاش عزیزان بتوانیم سهمی در تقویت و توسعه کمی و کیفی تشکلهای کارگری و کارفرمایی داشته باشیم، چراکه این توسعه؛ زمینه ساز گفتگوی موثر اجتماعی برای پیشبرد اهداف تشکل گرایی است

سابقه عملکرد آقای فرزاد یوسفی در مقام مدیر کل سازمانهای کارگری و کار فرمایی در وزارت کار و مدیران سلف ایشان انسان را به تردید در مورد واقعی بودن محتوی پیام او می اندازد، چرا که تا آنجا که مربوط به بحث سندیکاهای و تشکل های مستقل اتحادیه ای است، این سازمان عملکردی کاملاً متضاد با آنچه در پیام مدیر کل آن آمده است دارد

اگر آقای یوسفی بمناسبت این روز بجای دادن پیام گزارشی واقعی از فعالیتهای و عملکرد این سازمان می داد شاید هم بهتر بود و هم می توانست معیاری باشد برای سنجش عملکرد این سازمان



من بعنوان کسی که معمولاً فعالیتهای وزارت تعاون، کار و رفاه و نهادهای مربوط به آن را که در رسانه هایک منعکس می شوند، دنبال می کنم، تصویر خوبی از عملکرد این وزارتخانه و مخصوصاً بخش سازمانهای کارگری و کارفرمایی آن ندارم و می دانم که کارنامه این بخش طی حداقل ۴۰ سال گذشته بسیار منفی و سیاه بوده است و این سازمان بر خلاف وظیفه اش نقش مخربی در جلوگیری از تشکیل سازمانهای مستقل کارگری به عهده داشته است. بهمین جهت پیام فرزند یوسفی بمناسبت روز تشکل را یک تعارف توخالی و تشریفاتی به مانند پیام های سایر مدیران ارشد دولت می دانم.

سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار نه تنها به هیچ سندیکا، اتحادیه و تشکل مستقلی طی ۴۰ سال گذشته اجازه فعالیت نداده و با این رویه و عملکرد خود مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار را نقض نموده، بلکه صدها سندیکای کارگری را که در قبل از انقلاب وجود داشتند و اجازه فعالیت داشتند، منحل نموده است. انحلال و غیر قانونی کردن شوراهای مستقل کارگری و پیگرد و سرکوب بسیاری از رهبران شوراها از دیگر اقدامات تشکل ستیزانه این سازمان بوده که با هماهنگی و همکاری نیروهای امنیتی انجام شده. عده ای از رهبران سندیکایی و شورایی نیز متأسفانه در زندانها به قتل رسیده و عده دیگری سالهای متناوبی را در زندان گذرانده و شماری نیز از کشور فرار کرده اند. دو سندیکای کارگران شرکت واحد و هفت تپه که در سالهای بعد از اصلاحات تشکیل شده اند نه تنها این سازمان از برسمیت شناختن آنها امتناع نموده بلکه در پیگرد آنها مشارکت داشته است.

روی کاغذ البته به غیر از شوراهای اسلامی حکومتی و تحمیلی که از آغاز توسط حزب جمهوری اسلامی تشکیل شده اند و در واقع از آغاز تا کنون در سرکوب تشکلهای مستقل نقش غیر قابل انکاری داشته و دارند، تعدادی انجمن صنفی نیز در زمان احمدی نژاد تشکیل شده اند که آنها نیز غالباً یا وابسته به بخشی از جناح های حکومتی هستند و در ردیف همان شوراهای اسلامی قرار دارند و یا وجود خارجی ندارند. به غیر از جریانات نامبرده حتی یک تشکل مستقل ثبت شده کارگری را که اجازه فعالیت رسمی به آن داده شده باشد را نمی توان یافت. بهمین جهت می توانم با اطمینان بگویم که بخش سازمانهای کارگری همانگونه که تا کنون نیز چنین بوده است نقشی منفی و بازدارنده در ارتباط با تشکیل و فعالیت تشکلهای کارگری خواهد داشت. با این اوصاف معلوم نیست مخاطبان این پیام ایشان، ' امیدوارم که با همت و تلاش عزیزان بتوانیم سهمی در تقویت و توسعه کمی خواهد و کیفی تشکل های کارگری و کارفرمایی داشته باشیم... " در سازمانی که حتی یک تشکل کارگری مستقل در آن وجود ندارند، چه کسانی هستند؟ اصولاً تشکیل و فعالیت تشکلهای سندیکایی ربطی به تائید و تکذیب نهادهای دولتی و کارفرمایی ندارد. مطابق مقوله نامه های سازمان بین المللی کار دولتها و کارفرمایان حق هیچگونه دخالت در امور سندیکاهای کارگری را ندارند.

کارگران و فعالین مدنی و سیاسی زندانی باید آزاد شوند!

از اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت و مطالبات آنها حمایت کنیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



موضعگیری های سنجیده و دور اندیشانه شورای سازماندهی اعتصاب تا کنون نقش موثری در تداوم و پیشرفت اعتصاب و حفظ وحدت در میان کارگران داشته اند میدان سوء استفاده و به انحراف کشاندن اعتصاب را بر سنواستفاده کنندگان و عوامل دولت و کارفرمایان مسدود نموده اند

ادامه اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت

اعتصاب اکثر کارگران پیمانی در شرکت های نفتی، گازی و پتروشیمی ها در این هفته نیز ادامه پیدا کرد. از سرگیری اعتراضات در میان کارگران پایانه های نفتی نیز بر دامنه و تنوع این اعتصاب افزود و موقعیت اعتصابیون و همچنین معترضین شاغل در پایانه های نفتی را تقویت نموده است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی در این هفته نیز گزارشاتی را از روند اعتصاب و نتایج تا کنونی آن منتشر و در بیانیه شماره ۱۲ خود در مورد برخی رفتارهای تفرقه افکنان که می کوشند بین کارگرانی که به اعتصاب ادامه داده اند و کسانی که به سر کار باز گشته اند، هشدار داد و این گونه رفتار را تفرقه افکنانه خواند.

" در بخشی از بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات که چهارشنبه هفته جاری منتشر شد گفته می شود

حتما به کانال گروه های مدیریتی پاپینگ سر زده اید. در اقدامی جدید شروع به انتشار لیست افرادی کرده اند که به گفته آنان "خائن هستند" و خلاف تصمیمات "کمپین" سر کار رفته اند. در همانجا کارگران اعتصابی از جانب سردمداران این گروهها تشویق شده اند که اگر در محلهای کار آنها نیز کسانی سر کار رفته اند به عنوان خائنین به اعتصاب اعلام شوند. این کار سردمداران این گروه اقدامی دیگر در راستای اقدامات تفرقه افکنانه آنان و یک حرمت شکنی آشکار است و حقیقتا ربطی به کارگر و درد کارگر ندارد

ما بخوبی واقف هستیم که در جاهایی کارگران با شرایطی حداقلی زیر فشار گرسنگی و بی تامینی ناگزیر شده اند، سرکار بروند. و این کار این دوستان طبعاً خود آنها را در موقعیت ضعیف تری قرار میدهد و به نحوی نیز میتواند اعتصاب را ضعیف کند. اما مشکل این دوستان را متوجه هستیم و برای اینکه اجازه ندهیم که همکاران ما زیر فشار زندگی در این موقعیت قرار بگیرند، باید صف اعتصابمان .. "را قوی تر کنیم



موضعگیری های سنجیده و دور اندیشانه شورای سازماندهی اعتصاب تا کنون نقش موثری در تداوم و پیشرفت اعتصاب و حفظ وحدت در میان کارگران داشته اند میدان سوء استفاده و به انحراف کشاندن اعتصاب را بر سئو استفاده کنندگان و عوامل دولت و کارفرمایان مسدود نموده اند.

اولتیماتوم کارکنان شرکت فلات قاره ایران

به نوشته کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارکنان فلات نیز طی نامه ای اعلام کردند که در صورت متحقق نشدن و عده های مسئولین نسبت به رفع مشکل حقوق، در حرکتی هماهنگ از حضور در محل کار و سکویهای نفتی خودداری خواهند کرد. این کارکنان تاکنون به شکل های مختلف اعتراضات خود را به مقامات مسئول اعلام کرده اند. اعتراض آنان به نحوه افزایشات مزدی سال ۱۴۰۰ است.

اعتصاب هفت تپه وارد هفته پنجم شد

اعتصاب کارگران هفت تپه در روز پنجشنبه این هفته ۳۱ روز را پشت سر نهاد و وارد پنجمین هفته خود شد. کارگران اعتصابی هفت تپه در این هفته نیز در معرفی خواسته ها و دلایل اعتصاب شان بسیار فعال و پر ثمر برخورد کردند و توانستند تأثیرات مثبتی روی افکار عمومی در شوش، خوزستان و ایران به سود خودشان باقی بگذارند.

به نوشته کانال تلگرامی سندیکای هفت تپه خواسته های فوری کارگران اعتصابی عبارت اند از

تعیین تکلیف وضعیت شرکت بعد از خلع ید از بخش خصوصی

پرداخت حقوق های معوق شده، بازگشت به کار تمامی همکاران اخراج شده، تمدید قرار داد کارگران دفع آفات و دیگر و دیگر کارگران مختومه شدن پرونده قضایی وکیل کارگران هفت تپه، خانم فرزانه زیلابی

واکسیناسیون، سریع و رایگان همگان در مقابل کرونا و

همچنین کارگران هفت تپه حمایت خود را از خواست به حق مردم خوزستان اعلام داشته و خواستار رسیدگی فوری به حقوق پایمال شده کارگران و زحمتکشان این منطقه می باشند

در این هفته آنها توانستند یک حرکت اعتصاب شکنانه را که بطور مشترک از طرف مسئولین دولتی محلی و شورای اسلامی خود خوانده با دور زدن کارگران تدارک دیده شده بود بی اثر سازند. کارگران اعتصابی که از اقدام اعتصاب شکنان حکومتی به خشم آمده بودند، با تجمع در مقابل اداره کار شهر مبادرت به رای گیری مستقیم در مورد شورای ا

سلامی تشکیل شده توسط عوامل حکومت و کارفرما نمودند و با رای منفی خود شورای فرمایشی را برکنار کردند

کارگران با این اقدام مستقیم در واقع نه تنها به شورای اسلامی حکومتی نه گفتند، بلکه خط بطلانی روی قانون ضد کارگری و ارتجاعی شوراهای اسلامی کشیدند و گفتند آنها را به رسمیت نمی شناسند و تنها تشکلی را قبول می کنند که بطور دمکراتیک با رای بدون واسطه و بدون از هر گونه دخالتی توسط خودشان تشکیل شده باشد

اقدام دیگر رهبران اعتصاب فراخوندن کارگران به اهدا خون به افراد نیازمند در شهر شوش بود. کانال تلگرامی سندیکای هفت تپه که گزارشات مرتبط با اعتصاب را همه روزه منتشر می کند، در مورد فراخوان کارگران به اهدا خون به نیازمندان نوشت: "بانک خون از کارگران هفت تپه خواست تقاضای خون مورد نیاز را اعلام کنیم

زندگی کارگران هفت تپه جدا از سرنوشت دیگر مردم کارگر و زحمتکش در شهر سنان شوش نیست



ما درد مشترک و نیاز مشترک هستیم

در کنار هم "ما" می شویم، و ما در مقابل دشمنان طبقاتی با اتحاد و همبستگی پیروز خواهیم شد

آب و نان، کار و آزادی، و اکنون خون ما، خون همبستگی است

"نبض ما با هم به صدا در خواهد آمد، ما درد مشترک هستیم، ستمدیده گان استعمار شده

اولتیماتوم کارکنان شرکت فلات قاره ایران

کارکنان فلات نیز طی نامه‌ای اعلام کردند که در صورت متحقق نشدن وعده‌های مسئولین نسبت به رفع مشکل حقوق، در حرکتی هماهنگ از حضور در محل کار و سکوهای نفتی خودداری خواهند کرد. این کارکنان تاکنون به شکل های مختلف اعتراضات خود را به مقامات مسئول اعلام کرده اند. اعتراض آنان به نحوه افزایشات مزدی سال ۱۴۰۰ است

اعتراض کارگران آب و فاضلاب هویزه

کارگران آب و فاضلاب هویزه در این هفته بار دیگر نسبت به پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان طی به ۸ ماه گذشته و رد نکردن حق بیمه های شان در ۳ سال گذشته دست به اعتراض زدند. کارگران معترض همچنین نسبت به بی توجهی مسئولین و مدیران به وضعیت و خواسته های کارگران معترض و خواستار رسیدگی آنها به مطالبات شان هستند. گفتنی است که طبق قانون کار و تامین اجتماعی پرداخت نکردن به موقع و منظم دستمزد و حق بیمه توسط کارفرما جرم است و اداره کار و سازمان تامین اجتماعی موظف به وادار کردن کارفرما به پرداخت دیون او به کارگر و پرداخت جریمه هستند. اما این دو نهاد در این گونه موارد چنان سکوت می کنند که انگار وجود خارجی ندارند

POGC اولتیماتوم همکاران ما در سکوهای گازی

در نامه‌ای به تاریخ ۱۶ مردادماه خطاب به مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس اولتیماتوم داده POGC همکاران ما در سکوهای گازی اند که اگر مطالبات معوق آنان در فیش حقوقی مردادماه نیاید از ۳۱ مرداد مجدداً اعتراضات خود را آغاز خواهند کرد

این کارگران به نحوه‌ی افزایشات عمومی حقوق ۱۴۰۰ اعتراض دارند

و در این رابطه در چند ماه اخیر چندین تجمع اعتراضی به پا کرده اند. لازم به یادآوریست که زیر فشار اعتراضات همکاران

رسمی ما در روز ششم تیرماه نمایندگان

کمیسیون انرژی مجلس طی جلسه‌ای با خواست کارکنان نفت مبنی بر اصلاح حقوق آنها و

اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مبنی بر مستثنی بودن کارکنان عملیاتی

کار یا پرداخت بیمه بیکاری به همه بیکاران!

نفت از بند ۷ تبصره ۱۲ از قانون بودجه ۱۴۰۰ است موافقت کردند. اما در حقوق تیرماه

تنها محدودیت افزایش ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی حذف گردید و باقی آیتم‌هایی که منجر به کسورات حقوقی

کارکنان عملیاتی در سال جدید شده بود به قوت خود باقی ماند. از همین رو کارکنان

رسمی سکوهای گازی اعلام کردند که در اعتراض به عدم ترمیم حقوق‌ها بر طبق خواسته



هایشان از روز دوم مردادماه از عسلیویه به سکوهای گازی عزیمت نخواهند کرد. در برابر این اخطار مدیر عامل شرکت نفت و گاز پارس در جلسه‌ای با کارکنان عملیاتی و با حضور آنلاین مقامات وزارت نفت و عده اصلاح حقوقی در مردادماه را اعلام نمود. ولی با هم در این رابطه اقدامی صورت نگرفته و معوقات ۵ ماه گذشته

کارکنان سکوهای گازی پرداخت نشد. از همین رو آنها اولتیماتوم داده اند که اگر به

خواست آن پاسخ داده نشود از روز ۳۱ مرداد اعتراضات

صنفی خود را از سر خواهند گرفت. ما کارگران پروژه

اعلام میکنیم POGC ای پیمانی نفت حمایت خود را از خواستها و اعتراضات همکاران خود در سکوهای گازی

منبع کانال تلگرامی شورای اعتراضات کارگران پیمانی نفت

از اعتصاب و مطالبات کارگران هفت تپه حمایت کنیم!

بازنشستگان فولاد بار دیگر تجمع اعتراضی برگزار کردند

بازنشستگان فولاد اهواز بار دیگر در ۱۷ مرداد به خیابان آمدند و خواستار عملی کردن خواسته هایشان شدند. بازنشستگان فولاد یکی از گروه‌های پیگیر و حق طلب بازنشسته هستند که تا کنون مبارزات زیادی را برای احقاق حقوق شان انجام داده و موفقیت‌هایی نیز تا کنون کسب کرده‌اند. مطالبات مورد درخواست کارگران فولاد علاوه بر اجرای صحیح و عادلانه همسان سازی و بیمه کامل رایگان، مطالبات دیگری می باشد که قبلا از آنها بهر مند می شدند ولی بتدریج توسط مدیریت صندوق بازنشستگی فولاد قطع شده‌اند. پرداخت به موقع هزینه‌های درمان، بیمه عمر و استخدام اعضای خانواده توسط شرکت فولاد نیز جزء مطالبات بازنشستگان فولاد هستند. گفتنی است بنا به ادعان برخی از نمایندگان مجلس و کارشناسان اقتصادی کارخانه های تولید فولاد جزء پر درآمد ترین واحدهای تولیدی هستند و سودهای هنگفتی به جیب می زنند. منظور از ذکر این نکته این است که امکان مالی کافی برای تامین خواسته های کارگران شان را دارند

دولت موظف است واکسن و معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!

سرکوب مردم خوزستان را متوقف کنید!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>